

نقش سازمان ملل متحد در بهبود وضعیت زنان

منصوره شریفی صدر^۱

^۱ کاندیدای دکتری روابط بین الملل-کارشناس ارشد مطالعات سیاست خارجی Sharifi78010@gmail.com

چکیده

سازمان ملل متحد هفتاد و پنج سال پیش، با مشارکت ۵۱ کشور و با تجاری آموخته از جنگ جهانی دوم، با هدف استقرار و پاسداری از صلح و امنیت بین‌المللی و احترام به کرامت بشری، پا به عرصه وجود نهاد. امروز این سازمان با ۱۹۳ عضو، شش رکن اصلی و تعداد کثیری ارکان فرعی و آژانس‌های تخصصی، به درخت تنومندی تبدیل شده که تقریباً در تمامی عرصه‌های مهم زندگی بشری اعم از حیات سیاسی، امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایفای نقش می‌کند. بررسی کیفیت کنش‌گری و میزان تأثیرگذاری سازمان ملل در نظام بین‌المللی پرتحول و نامطمئن امروز، مستلزم مطالعات و بررسی‌های گسترده نقش سازمان ملل متحد در هریک از عرصه‌های یادشده و به‌کارگیری ابزارهای دقیق ارزیابی میزان پیشرفت‌ها می‌باشد. موضوع زنان به‌عنوان نیمی از جامعه بشری و اساساً رویکرد جنسیتی، امروزه به‌عنوان مقوله‌ای حسّاس و مورد توجه کلیه نهادهای بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی مطرح می‌باشد. عوامل متعددی در برجسته‌سازی رویکرد مزبور نقش داشته‌اند. سازمان ملل متحد از جمله نهادهایی است که طی ۷۵ سال گذشته در روند تحول مزبور، سهم بسزایی داشته و نقش بی‌بدیلی ایفا کرده است. چگونگی و نحوه تأثیرگذاری سازمان ملل در تحقق این رویکرد، سؤال اصلی این پژوهش می‌باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که سازمان ملل متحد از طریق تصویب اسناد معتبر بین‌المللی، تأسیس نهادهای ویژه زنان و برگزاری کنفرانس‌های جهانی با موضوع زنان، در تقویت رویکرد جنسیتی و هنجارسازی در مقوله زنان در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، نقشی پویا و فعال داشته و با جدیت موضوع زنان را پی‌گیری می‌کند.

• واژگان کلیدی

زنان - رویکرد جنسیتی - سازمان ملل متحد - هفتادوپنجمین سالگرد تأسیس.

مقدمه

سال ۲۰۲۰ مصادف با هفتادوپنجمین سال تاسیس سازمان ملل متحد می‌باشد. سازمان ملل در تاریک‌ترین دوران تاریخ بشر، از میان خاکسترهای جنگ جهانی دوم با هدف پیش‌گیری از وقوع جنگ خانمان‌سوزی دیگر و با هدف عالیه پاسداری از صلح و امنیت بین‌الملل و حفظ کرامت بشری، پا به عرصه وجود نهاد. نهال مزبور پس از هفتادوپنج سال امروز مبدل به درختی تنومند شده که بر عرصه‌های بی‌شماری از ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی بشر قرن بیست و یک سایه افکنده است. در خصوص ارزیابی موفقیت‌ها و ناکامی‌های سازمان ملل، مطالب زیادی، از زوایای گوناگون فردی، حقوقی، اجتماعی و سیاسی توسط محافل آکادمیک و پژوهشی به رشته تحریر درآمده است و این نوشتارها، عملکرد سازمان ملل را در ادوار مختلف به ارزیابی و قضاوت نشسته‌اند.

تردیدی نیست که لازمه موفقیت نهادی با ابعاد وسیع جهانی در روزگاری که جامعه جهانی فرایندی از تحولات پرسرعت را تجربه می‌کند، پویایی، انعطاف و بالندگی مطابق با نیازمندی‌های متحول بشر قرن بیست‌یک، در عین پای‌بندی به قانون و اصول دموکراتیک می‌باشد. منشور ملل متحد به‌عنوان سند تاسیسی سازمان ملل متحد، با تجارب آموخته از قوت و ضعف میثاق جامعه ملل و نیز بر اساس ضرورت‌های جامعه بشری پسا جنگ جهانی دوم پس از طی جلسات متعدد مذاکرات، نهایتاً در ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ در نشست سانفرانسیسکو به تصویب رسید. گرچه در عمر هفتادوپنج ساله سازمان ملل متحد، بازنگری و تغییر اساسی در محتوای منشور سازمان ملل صورت نگرفته است، لیکن نباید از نظر دور داشت که دقت نظر تدوین‌کنندگان اولیه منشور از یک‌سو و تفسیرهای روزآمد آن توسط دیوان بین‌المللی دادگستری از سوی دیگر موجب گردیده تا سازمان ملل متحد بطور نسبی از پویایی لازم در پاسخ به نیازهای فزایندهء جامعه بین‌المللی برخوردار باشد. مضافاً این‌که بوجود آمدن آژانس‌ها و کارگزاری‌های تخصصی سازمان ملل متحد، ابزارهای مناسبی را برای پاسخگویی به نیازها و نیز زمینه‌ای برای استمرار تحولات و بالندگی سازمان فراهم آورده است. در عین حال از سازمان ملل متحد انتظار می‌رود، رسالت اصلی خود در مدیریت صلح و امنیت بین‌الملل و پاسداری و تقویت حقوق بین‌الملل در مواجهه با چالش‌های جدید قرن حاضر را به منصفانه ظهور بگذارد و از این طریق کارائی و تاثیرگذاری خود را افزایش دهد. بدیهی است این مهم، مستلزم

اقدامات و تحرکات درون سازمانی و نیز توسعه تعاملات بیرونی آن می‌باشد. اقدامات سازمان در قالب قطعنامه‌ها، طرح‌ها و بیانیه‌ها و نیز تأسیس کارگزاری‌های مورد نیاز، منجر به گسترش دامنه فعالیت‌های آن و همچنین ایجاد و یا تقویت هنجارهای جدید بین‌المللی گردیده که سبب توسعه حقوق عرفی بین‌المللی به‌عنوان منبع مهم حقوق بین‌الملل گردیده است. از این‌رو نقشی که سازمان ملل امروزه با بیش از ۳۰ کارگزاری تخصصی در جامعه بین‌المللی ایفا می‌کند با اقدامات آن در هفتادوپنج سال پیش قابل مقایسه نمی‌باشد.

بسیاری از متفکرین بین‌المللی، عدم وقوع جنگ گسترده در ابعاد جنگ‌های جهانی اول و دوم را دلیلی بر موفقیت سازمان ملل متحد در انجام رسالت اصلی خود در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌دانند. مضافاً اینکه تقویت همکاری‌های بین‌المللی، تشویق احترام به حقوق بشر، برجسته‌سازی نگاه جنسیتی در اغلب تعاملات و رویدادهای بین‌المللی و تلاش برای تحقق آرمان‌های توسعه هزاره (۲۰۰۰-۲۰۱۵)، و توسعه پایدار (۲۰۱۵-۲۰۳۰) را به‌عنوان شاخص‌ها و نمادهای کامیابی سازمان برای تحقق آرمان‌های بشری در چارچوب منشور ملل متحد تلقی می‌کنند. گفته می‌شود، در پرتو کنش‌گری ارکان اصلی و فرعی سازمان ملل، بنا بر گزارش سازمان ملل متحد، امروزه بالغ بر ۹۰ میلیون نفر در بیش از ۸۰ کشور جهان، غذای روزانه خود را از طریق کمک‌های سازمان ملل دریافت می‌کنند. همچنین تلاش آژانس‌های تخصصی ملل متحد در کمک‌های بهداشتی به مادران و کودکان در سراسر جهان منجر به نجات زندگی میلیون‌ها مادر و کودک گردیده است. حل مسائل و مشکلاتی که دارای ابعاد جهانی می‌باشد، نظیر تروریسم و یا مبارزه با تغییرات آب و هوایی و زیست محیطی، از جمله الزامات توسعه پایدار می‌باشد که نیازمند مدیریت جهانی می‌باشد و ابتکارات و پیش‌گامی سازمان ملل در این زمینه‌ها، برآیند قابل قبولی از فعالیت‌های این سازمان را تبیین می‌کند.

در کنار ارزیابی‌های مثبت از فعالیت هفتادوپنج ساله ملل متحد، برخی کاستی‌ها و ناتوانی‌های ناشی از شیوه تصمیم‌گیری، سیاست‌زدگی، رویه‌های پیچیده اداری و نتایج حاصل از برخی تصمیمات شورای امنیت شامل آثار سوء تحریم‌های متخذ بر برخورداری مردم از حقوق بشر، سازمان ملل را در معرض انتقادهای جدی و متعددی قرار داده و در نتیجه، دستاوردهای مثبت آن را تا حدودی مکدر نموده است. ناتوانی سازمان در جلوگیری از وقوع برخی منازعات منطقه‌ای و یا دو جانبه، عدم پای‌بندی کامل اعضاء به معاهداتی که از سوی سازمان ملل پشتیبانی می‌شود، نظیر تعهدات مربوط به کنفرانس آب و هوایی پاریس و یا

ناکامی سازمان ملل در حل مسئله فلسطین طی سالیان متمادی، زمینه عدم موفقیت و حتی ناامیدی نسبت به اثربخشی تصمیمات سازمان ملل را فراهم نموده است. مهم‌تر از همه انتقادهای گسترده‌ای که در نخستین دهه دوره پسا جنگ سرد، بر اثر تصمیمات شورای امنیت مبتنی بر تحریم کشورهایی چون عراق، هائیتی، سیرالئون و، که منجر به نقض فاحش حقوق بشر مردم این کشورها، بویژه اقشار آسیب پذیر جامعه چون زنان و کودکان گردید، عمل کرد سازمان ملل متحد را در معرض طوفان انتقادات شدیدی قرار داد، تا بدان حد که در مواردی سازمان ملل متحد را به عنوان ناقض حقوق بشر مطرح نموده است. ارزیابی کلی از عملکرد سازمان ملل بیانگر آن است که از جمله مسائل مهمی که گفته می‌شود، سازمان در برجسته‌سازی آن به عنوان یک تقاضای جهانی و دغدغه بشریت، نقش اساسی ایفا نموده است، موضوع جنسیت و مسائل مربوط به زنان به عنوان یک رویکرد بین‌المللی می باشد. امروزه یکی از شاخص‌های مهم توسعه انسانی و نیز توسعه پایدار، که در ردیف پارادایم مهم حقوق بشری نیز به شمار می‌رود، داشتن رویکرد جنسیتی در مراحل مختلف تصمیم‌گیری در عرصه‌های گوناگون است. این رویکرد به جهت برخورداری از ماهیت حقوق بشری، جنبه جهانی و بین‌المللی پیدا کرده و فصل مهمی تحت عنوان حقوق زنان را در مقیاس جهانی اعم از مراکز تصمیم‌گیری حقوقی، سیاسی و بین‌المللی و همچنین محافل آکادمیک گشوده است. مقوله حقوق زنان و مباحث جنسیتی در گذر زمان، نه تنها دولت‌ها را در این امر درگیر نموده، بلکه توجه سایر بازیگران در سطوح مختلف اعم از داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی را نیز به خود معطوف داشته است. سازمان ملل متحد به عنوان مهم‌ترین و فراگیرترین سازمان بین‌المللی، از ابتدای تأسیس، موضوع زنان را مورد توجه قرار داد. شواهد امر، تلاش‌های ارکان مختلف سازمان ملل اعم از ارکان اصلی، فرعی و آژانس‌ها و کلاً نهادهای زیر مجموعه سازمان ملل در زمینه بهبود وضعیت زنان را در دوره عمر هفتادوپنج ساله سازمان روایت می‌کند. سال ۲۰۲۰ علاوه بر ۷۵ امین سالگرد تأسیس سازمان ملل متحد، با سالگرد چند رویداد مهم در عرصه زنان نیز مصادف گردیده است. بیست و پنجمین سالگرد تصویب اعلامیه و برنامه عمل پکن^۱ که به نوبه خود، نقطه عطفی در ارتقای حقوق زنان به شمار می‌رود؛ در کنار دهمین سال تأسیس نهاد زنان سازمان ملل^۲ و بیستمین سالگرد تصویب قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت تحت عنوان "زنان، صلح و امنیت"^۳ و

^۱ Beijing Declaration and Platform of Action

^۲ UN Women

^۳ The Security Council Resolution on "Women, Peace and Security" (S/RES/1325)

همچنین پنجمین سالگرد تصویب اهداف توسعه پایدار^۱ که یک ماده مستقل آن به بحث زنان اعم از اهداف برای آینده و نیز چالش‌های پیش رو اختصاص دارد، می‌باشد. مجموعه رویدادهای مزبور، سال ۲۰۲۰ را به مقطع زمانی مهمی در قلمرو سازمان ملل و موضوع زنان تبدیل نموده است.

این پژوهش در جستجوی پاسخ به سؤالاتی از این دست می‌باشد که عملکرد سازمان ملل در حوزه زنان طی هفتادوپنج سال گذشته، چه روندی را طی نموده است؟ آیا تلاش‌های سازمان، در دستیابی به اهداف تعیین شده در عرصه زنان موفقیت آمیز بوده است؟ تلاش‌های سازمان ملل برای برجسته سازی حقوق زنان و نگاه جنسیتی در عرصه‌های مختلف مناسبات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی و بین‌المللی از چه شیوه‌ها و متدهایی پیروی می‌کند؟ به عبارت دیگر سازمان ملل متحد برای پرکردن شکاف جنسیتی و اعتلای حقوق زنان در عرصه بین‌المللی از چه سازوکارهایی استفاده می‌کند؟ برای یافتن پاسخ مناسب سؤالات مطروحه، از روش توصیفی- تحلیلی و بهره‌گیری از برخی آمارهای در دسترس، استفاده می‌شود.

در پاسخ به سؤالات پژوهش، عملکرد سازمان ملل متحد در قلمرو زنان در چند حوزه بررسی می‌شود. در مرحله نخست اسناد مهمی که در چارچوب سازمان ملل به موضوع جنسیت اشاره دارد و یا اساساً در حوزه زنان به تصویب رسیده، مورد بحث قرار خواهد گرفت. اسناد مزبور به‌عنوان ابزار و سازوکارهای سازمان ملل برای نهادینه سازی رویکرد جنسیتی در کلیه شئون و برنامه‌های سازمان و ارتقاء حقوق زنان تحت بررسی قرار می‌گیرد. بدین منظور در کنار اسناد پایه نظیر منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، پیمان نامه‌های مدنی-سیاسی، و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کنوانسیون "امحاء کلیه اشکال تبعیض علیه زنان"، تلاش نهادهای مختلف سازمان برای هنجارسازی در مقوله تساوی جنسیتی، با بهره‌گیری از ابزار قطعنامه‌ها، بیانیه‌ها و گزارش‌های گزارشگران ویژه در قلمرو زنان به‌عنوان اسنادی که علیرغم غیرالزام‌آوری، نقش مهمی در ارتقاء رویکرد جنسیتی و حمایت از حقوق زنان دارند، از اهمیت قابل توجهی برخوردار می‌باشند. بدین ترتیب در بخش نخست به مباحث اسنادی پرداخته می‌شود.

بخش دوم از جنبه ساختاری، تأسیس نهادهایی از سازمان ملل متحد که در مقوله زنان فعال هستند، را مورد توجه قرار می‌دهد. در این بخش نهادهای اصلی متولی حقوق زنان، در کنار نهادهای فرعی و نیز نهادهایی که به لحاظ ماهیت حقوق بشری، مسائل زنان را نیز پوشش می‌دهند، مورد اشاره قرار می‌گیرد.

¹ Sustainable Development Goals (SDG/2015)

بخش سوم به پویایی نهادهای سازمان ملل می‌پردازد که از طریق برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌های جهانی و با گسترش عرصه فعالیت خود از طریق جذب جوامع مدنی در سطح جهانی، نقش تاثیرگذاری در ارتقاء وضعیت زنان و دختران و تلاش برای زنده نگاه‌داشتن رویکرد جنسیتی در کلیه شئون ملی و بین‌المللی داشته‌اند.

در بخش چهارم که در واقع حاصل تلاش‌ها و اقدامات سازمان ملل متحد در حوزه زنان می‌باشد به نقش مهم سازمان در امر هنجارسازی در حوزه زنان اشاره می‌شود. در پایان نیز نتایج مجموعه تلاش‌های سازمان ملل در مقوله زنان مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. قبل از پرداختن به مباحث اصلی، نگاه کوتاهی به تاریخچه موضوع می‌اندازیم:

پیشینه موضوع

زن و مرد از آغاز در کنار هم بوده‌اند و برای امرار معاش هر دو در کنار هم فعالیت داشته‌اند. مرد به شکار می‌رفته و زن به جمع‌آوری دانه‌ها و زراعت می‌پرداخت. در دوره‌هایی از تاریخ نیز، زن سالاری بر یک سری جوامع حاکم بوده است. در این دوره‌ها، برتری آحاد جامعه و از جمله زنان در خانواده و جامعه را شاخص اقتصادی تعیین می‌کرده است و لذا در دوره زن سالاری، احتمالاً محوریت اقتصاد جامعه با زنان بوده است. از این‌روست که گفته می‌شود در تعیین جایگاه زنان در ادوار گذشته شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و نیز فرهنگی نقش مهمی ایفا نموده است.

مهمترین اثر اجتماعی انقلاب صنعتی در اروپا که از انگلستان آغاز شد (۱۷۶۰-۱۸۴۰) و سپس به سایر مناطق اروپا و آمریکا منتقل گردید، این بود که به دلیل نیاز به نیروی کار ارزان قیمت در کارخانجات، زنان که تا آن تاریخ در خانه عهده‌دار فعالیت‌های اقتصادی بودند، از خانه به بیرون هدایت شدند و به عنوان بخش بزرگی از نیروی کار در کنار کودکان، با دستمزدهای پایین در مقایسه با مردان، به کار گمارده شدند. این رویداد آثار اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی به همراه داشت. بافت خانواده نسبت به قبل متفاوت شده بود و نوع فعالیت‌های زنان و مشارکت اقتصادی آنها نیز دگرگون شده بود. اما مهم‌ترین آثار اجتماعی حضور زنان در بیرون از خانه و نزدیک‌تر شدن فیزیکی قشر زنان به یکدیگر این بود که امکان هم‌اندیشی را برای آنان فراهم آورد. وقوع رنسانس نیز قبل از انقلاب صنعتی زمینه‌های باز شدن جامعه و اندیشه‌ورزی را فراهم نموده بود. با انقلاب صنعتی و اشتغال زنان در کنار مردان، وقتی زنان کارگر خود را در کنار مردان کارگر با حقوق کمتر یافتند، به مرور زمینه‌های سرکشی و درخواست حقوق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در میان آنان شکل گرفت. از این‌رو تا قبل از آغاز قرن هیجده که زنان نقش

مهمی در بازار کار (بیرون از خانه) نداشتند، حرکت و جنبشی نیز از سوی آنان برای احقاق حقوق مطرح نمی‌شد. با زمینه‌هایی که فوقاً به اختصار به برخی از آن‌ها اشاره شد، به مرور از اواسط قرن نوزده، نهضت برابری زن و مرد شکل گسترده‌ای به خود گرفت. در سال ۱۸۷۸ اولین کنگره بین‌المللی حقوق زنان توسط لئون ریشیه از بنیانگذاران جنبش برابری حقوق زن و مرد، در فرانسه تشکیل شد و به دنبال آن زنان بریتانیایی در سال ۱۹۱۸ و زنان امریکایی در سال ۱۹۲۰ در تلاش برای احقاق حقوق خود، از حق رای برخوردار گردیدند. طرح موضوع حقوق زنان در مقیاس گسترده جهانی و مباحث مربوط به تساوی حقوق زن و مرد نخستین بار رسماً با میثاق جامعه ملل (۱۹۱۹) آغاز گردید. بند ۳ اصل ۷ میثاق جامعه ملل در مورد تخصیص برابر مشاغل جامعه ملل یا ادارات و دبیرخانه آن، به زنان و مردان بدون هیچ تبعیضی تصریح نموده است. بند الف اصل ۲۳ میثاق نیز به پرداخت عادلانه برای کار زنان و مردان و کودکان اشاره دارد.

با پایان جنگ جهانی دوم و تاسیس سازمان ملل متحد، توجه روزافزون به حقوق زنان و رفع تبعیض از زنان در سرلوحه کار سازمان ملل قرار گرفت و زنان تلاش‌های فراوانی برای احقاق حقوق خود و تحولات ساختاری در جوامع به‌عمل آوردند. مجموعه این تلاش‌ها سبب شد تا نه تنها سازمان ملل، بلکه بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای موضوع زنان و ارتقاء وضعیت آنان را در دستور کار خود قرار دهند. کتاب‌ها و مقالات زیادی در این زمینه نگاشته شد و برخی کشورها وزارت امور زنان تاسیس کردند. با تشکیل سازمان ملل متحد بر اساس منشور ملل متحد در سال ۱۹۴۵ تساوی حقوق زنان و مردان مورد توجه بیشتری قرار گرفت. سازمان ملل به طرق مختلف از جمله تصویب و صدور اسناد معتبر، تاسیس نهادهای ویژه امور زنان و نیز برگزاری کنفرانس‌هایی در سطح جهانی با موضوعیت زنان، سعی وافری را در بهبود و ارتقاء وضعیت زنان و نیز نهادهای جدید رویکرد جنسیتی در قالب تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی به‌عمل آورده است. ذیل اقدامات سازمان در هفتادوپنج سال گذشته در سه محور یاد شده اشاره و میزان کامیابی و ناکامی آن در تحقق اهداف مزبور بررسی می‌شود.

۱- زنان در اسناد سازمان ملل متحد

اصل تساوی و برابری حقوق زنان و مردان در اسناد مختلف سازمان ملل متحد مورد تاکید قرار گرفته است: منشور ملل متحد: مقدمه منشور ملل متحد^۱ با اعلام اینکه "ما مردم ملل

^۱ UN Charter, 26 June 1945

متحد با تصمیم به محفوظ داشتن نسل‌های آینده از بلای جنگ و با اعلام مجدد ایمان خود به حقوق اساسی بشر و به حیثیت و ارزش شخصیت انسانی و به تساوی حقوق بین زن و مرد و همچنین بین ملت‌ها اعم از کوچک و بزرگ"، موضوع تساوی حقوق زنان و مردان را مورد توجه قرار داده است. بند ۳ ماده یک نیز در بیان اهداف ملل متحد تصریح می‌کند "حصول همکاری بین‌المللی در حل مسائل بین‌المللی و در پیش‌برد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان و یا مذهب و". علاوه بر آن، ماده ۸ منشور نیز همانند میثاق جامعه ملل، به حقوق برابر زنان و مردان در شرایط مساوی برای اشتغال در ارکان اصلی و فرعی سازمان ملل تصریح می‌نماید. "سازمان ملل متحد برای تصدی هر شغلی به هر عنوان تحت شرایط مساوی در ارکان اصلی و فرعی خود، هیچ‌گونه محدودیتی در استخدام مردان و زنان برقرار نخواهد کرد".

اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱: اعلامیه جهانی حقوق بشر که مصوب ۱۰ سپتامبر ۱۹۴۸ می‌باشد، مطابق با تحولات گسترده در عرصه جهانی، ارزش و اعتبار آن نیز به مرور متحول گردید و امروزه در ردیف اسناد معتبر بین‌المللی به‌شمار می‌رود. بنا به نظر گروهی از حقوق‌دانان، در شرایط کنونی بر اثر عمل‌کرد دولت‌ها در رعایت قواعد مصرّح در اعلامیه، اصول مندرج در آن به‌صورت حقوق عرفی بین‌المللی درآمده است به‌طوری که در قوانین اساسی تعدادی از کشورها گنجانیده شده است. مضافاً اینکه بخش وسیعی از اصول مندرج در اعلامیه، در میثاق‌های دوگانه حقوق بشری به‌عنوان معاهدات معتبر چندجانبه بین‌المللی که برای اعضای آن‌ها جنبه لازم‌الاجرائی دارد، گنجانده شده است. اعلامیه مقرر می‌دارد که: "همه انسان‌ها آزاد و با شأن و منزلت برابر به دنیا می‌آیند و هر فرد مستحق همه حقوق و آزادی‌هایی است که در این اعلامیه مقرر گردیده است، بدون هیچ‌گونه تبعیض نژادی، جنس، زبان یا مذهب، تولد یا دیگر وضعیت‌ها." به‌طور کلی اعلامیه جهانی حقوق بشر در مقدمه و کلیه بندهایش، کل بشریت را (اعم از زن و مرد) بدون هیچ تبعیض و استثنائی مورد خطاب قرار داده است. ماده اول اصول اساسی ناظر بر همه حقوق بشر را بیان می‌کند. مواد ۳ تا ۲۱ به بیان حقوق مدنی و سیاسی می‌پردازد و مواد ۲۲ تا ۲۷ به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اختصاص دارد. سه ماده آخر نیز مبنای حفظ حقوق بشر برای برخورداری همگان از آن‌ها را نشان می‌دهد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۲۸: ۲۵).

¹ Universal Declaration of Human Rights.

میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۱: میثاق مزبور که مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ می‌باشد، در ماده ۳ خود بر رعایت تساوی حقوق زنان و مردان در بهره‌مندی از حقوق سیاسی و مدنی برابر ذکر شده در میثاق، تأکید می‌نماید. گفته می‌شود تهیه پیش‌نویس میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سپس میثاق حقوق مدنی و سیاسی با این هدف صورت گرفت که حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر، به صورت قانونی و لازم‌الاجرا در آید.

میثاق حقوق مدنی و سیاسی^۲: این میثاق نیز همانند میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی، در سال ۱۹۶۶ به تصویب رسید و از سوم ژانویه ۱۹۷۶ رسمیت قانونی یافت و برای دولت‌های امضاء کننده آن لازم‌الاجرا گردید. ماده ۳ این میثاق مانند میثاق حقوق مدنی و سیاسی بر رعایت تساوی حقوق زنان و مردان تأکید می‌کند. این ماده مقرر می‌دارد که: «کشورهای طرف این میثاق، متعهد می‌شوند که تساوی حقوق مردان و زنان، در استفاده از کلیه حقوق اقتصادی_اجتماعی و فرهنگی مقرر در این میثاق را تأمین نمایند».

کنوانسیون حقوق سیاسی زنان^۳: این کنوانسیون که مشتمل بر ۱۱ ماده می‌باشد، در ۳۱ مارس ۱۹۵۳ توسط مجمع عمومی به تصویب رسیده است و چنانکه از نام آن پیداست، به حقوق سیاسی زنان می‌پردازد. به عبارتی دیگر کنوانسیون جزء نخستین اسناد سازمان ملل است که حقوق سیاسی مربوط به زنان را برجسته می‌سازد، چرا که در آن سال‌ها، (مصادف با پایان جنگ جهانی دوم)، هنوز بسیاری از کشورها حقوق و آزادی‌های سیاسی برای زنان را مورد شناسایی قرار نداده بودند. ایده اولیه تصویب کنوانسیون مزبور توسط کمیسیون مقام زن مطرح گردید.^۴

اعلامیه رفع تبعیض از زنان^۵: اعلامیه مزبور در ۷ نوامبر سال ۱۹۶۷ صادر گردید و دارای ۱۱ ماده در موضوع رفع تبعیض علیه زنان می‌باشد.

اعلامیه تهران^۶: در بیستمین سالگرد اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۶۸، کنفرانسی در تهران برگزار شد تا پیشرفت حاصله از اجرای اعلامیه جهانی حقوق بشر را مورد بررسی قرار دهد. حاصل کنفرانس، اعلامیه‌ای بود که به اعلامیه تهران شهرت یافت. ماده ۱ و ماده ۱۵ اعلامیه مزبور نیز به موضوع حقوق زنان پرداخته است.

¹ International Covenant on Economic Social and Cultural Rights.

² International Covenant on Civil and Political Rights.

³ The Convention on the Political Rights of Women.

⁴ <https://www.unwomen.org/en/news/stories/2020/7/press-release-commission-on-the-status-of-women-64th-session-conclude>

⁵ Declaration on Elimination of Discrimination Against Women

⁶ Proclamation of Tehran

کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW)^۱: این کنوانسیون در ۱۸

دسامبر ۱۹۷۹ طی قطعنامه ۱۸۰/۳۴ مجمع عمومی به تصویب رسید و در سوم سپتامبر ۱۹۸۱ با گذشتن ۳۰ روز از تودیع بیستمین سند الحاق یا تصویب، لازم‌الاجرا شد. کنوانسیون مزبور که کامل‌ترین و مهم‌ترین سند در مورد زنان می‌باشد مشتمل بر یک مقدمه و ۳۰ ماده می‌باشد. مسئله تساوی زن و مرد از جهات مختلف و رفع هرگونه تبعیض بین آنان در برخورداری از مواهب زندگی، حقوق اجتماعی و سیاسی در همه اسناد حقوق بشری سازمان ملل از منشور، اعلامیه جهانی حقوق بشر گرفته تا میثاق بین‌المللی حقوق مدنی، سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ... مطرح شده و مورد تأکید قرار گرفته بود، معذالک طرفداران تساوی کامل حقوق زن و مرد و رفع کامل تبعیض، آن‌را کافی ندانستند، لذا در مقدمه کنوانسیون با یادآوری اسناد مزبور و دیگر اسناد، از ارتقای تساوی حقوق زنان و مردان ابراز نگرانی شده: «برغم همه این اسناد و ابزارهای مختلف، تبعیض گسترده علیه زنان ادامه دارد» (مهرپور، ۱۳۷۴: ۲۴۲). از این‌رو کنوانسیون مزبور صراحتاً خواستار رفع تبعیض علیه زنان و اقدام ملی کشورها در این زمینه گردیده است. تا کنون ۱۸۹ کشور بدون شرط و یا با حق تحفظ به این کنوانسیون پیوسته‌اند.

اعلامیه رفع خشونت علیه زنان^۲: این اعلامیه طی قطعنامه شماره ۴۸/۱۰۴ در ۲۰

دسامبر ۱۹۹۳ از سوی مجمع عمومی به تصویب رسید که ناظر بر ضرورت شناسایی حقوق زنان، برابری، امنیت، آزادی و رفع هرگونه خشونت علیه آنان بود.

اعلامیه وین و برنامه عمل^۳: اعلامیه حقوق بشر وین و برنامه عمل آن نتیجه نهایی

کنفرانس جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۹۳ می‌باشد. این اعلامیه، علاوه بر مقدمه در بخش یک در بندهای ۳۶ الی ۴۴ به موضوع زنان پرداخته است. اعلامیه، حقوق بشر زنان و کودکان را بخش جدایی ناپذیر حقوق جهانی بشر قلمداد کرده و طی آن مشارکت کامل و برابر زنان در عرصه‌های سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین امحاء کلیه اشکال تبعیض‌های جنسیت محور و نیز امحاء کلیه اشکال آزار جنسی را جزء اهداف و آرمان‌های جامعه بین‌الملل عنوان کرده است.

سند اهداف توسعه هزاره (M.D.G.)^۴: این سند در اجلاس سران مجمع عمومی در

سپتامبر سال ۲۰۰۰ به تصویب رسید و بر اساس آن مقرر گردید دولت‌ها برای نیل به

¹ Convention on Elimination of All Forms of Discriminations Against Women

² Declaration on the Elimination of Violence against Women

³ Vienna Declaration and Program of Action

⁴ Millennium Development Goals

آرمان‌های هشت گانه توسعه هزاره از سال ۲۰۰۰ الی ۲۰۱۵ برنامه ریزی نمایند. هدف شماره ۳ این سند به موضوع زنان اختصاص دارد که تحت عنوان "گسترش و ترویج برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان" ذکر گردیده است.

سند اهداف توسعه پایدار (S.D.G.)^۱: سند توسعه پایدار در نشست سران مجمع عمومی در سال ۲۰۱۵ به تصویب رسید. دوره پیش‌بینی شده برای اجرای سند، ۱۵ سال که از ۲۰۱۵ لغایت ۲۰۳۰ خواهد بود. سند مزبور مشتمل بر ۱۷ هدف می‌باشد که هدف شماره ۵ آن به موضوع زنان می‌پردازد و دستیابی به تساوی جنسیتی و توانمندسازی تمامی زنان و دختران را مورد تأکید قرار می‌دهد.

قطعه‌نامه‌های مصوب ارکان ملل متحد: در طول هفتادوپنج سال فعالیت سازمان ملل متحد، در مقوله حقوق زنان قطعه‌نامه‌های متعددی با عناوین گوناگون تساوی جنسیتی، رفع خشونت علیه زنان، توانمندسازی زنان و ... از سوی نهادهای مختلف سازمان ملل به تصویب رسیده است. این قطعه‌نامه‌ها گرچه ممکن است از خصلت الزام‌آوری ویژه فصل هفت منشور برخوردار نباشند، لیکن از دو بعد واجد اهمیت می‌باشند: نخست آن‌که با نام بردن و عنوان نمودن دولت‌های ناقض حقوق زنان در عرصه بین‌المللی، موجبات شرمندگی آنان را فراهم می‌آورند. دوم این‌که تکرار برخی مفاهیم در قطعه‌نامه‌های متعدد، به‌مرور هنجارهایی را در بحث زنان، نهادینه می‌سازد که در بستر زمان به حقوق عرفی بین‌المللی^۲ تبدیل می‌شوند که قاعداً واجد خصلت الزام‌آوری برای همگان خواهد بود. از جمله مهم‌ترین قطعه‌نامه‌ها در حوزه زنان، قطعه‌نامه شماره ۳۰۱۰ مجمع عمومی می‌باشد که بر اساس آن سال ۱۹۷۵ به‌عنوان "سال بین‌المللی زن" نامیده شد. علاوه بر آن قطعه‌نامه ۳۱/۱۳۶ در اکتبر همان سال به تصویب مجمع عمومی رسید که به موجب آن سال‌های ۱۹۷۶ الی ۱۹۸۵ نیز به‌عنوان "دهه زن" نام گرفت. شاید بتوان گفت از مهم‌ترین نتایج این دو قطعه‌نامه، زمینه‌سازی برای تدوین و تصویب "کنوانسیون امحاء کلیه اشکال تبعیض علیه زنان" بوده است که در سال ۱۹۷۹ تصویب شد.

موضوع خشونت علیه زنان از دیگر مباحث مهم و از دغدغه‌های اصلی ارکان ذیربط سازمان ملل بوده است. شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل موسوم به اکوسوک^۳ که از ارکان اصلی سازمان به حساب می‌آید، در تاریخ ۳۰ می ۱۹۹۱ اقدام به طرح قطعه‌نامه‌ای نمود که به‌طور مستقل به موضوع خشونت علیه زنان پرداخته است (قطعه‌نامه شماره ۱۸/۱۹۹۱). علاوه بر آن بند ۲۳

^۱ Sustainable Development Goals

^۲ بر اساس ماده ۳۸ اساسنامه دیوان دادگستری بین‌المللی، حقوق بین‌الملل عرفی از مهم‌ترین منابع حقوق بین‌الملل می‌باشد.

^۳ United Nations Economic and Social Council

قطعنامه ۱۵ شورای اقتصادی اجتماعی^۱ مصوب سال ۱۹۹۰ تصریح می‌کند که "خشونت اعمال شده نسبت به زنان در خانواده و یا در اجتماع با هر درآمد و هر طبقه اجتماعی و فرهنگی که باشد، قابل تصور است و تدابیر فوری و موثری برای رفع تاثیرات این خشونت باید اتخاذ شود" (RESOLUTIONS AND DECISIONS OF THE ECONOMIC AND SOCIAL COUNCIL).

نشست ویژه مجمع عمومی تحت عنوان "زنان در سال ۲۰۰۰، تساوی جنسیتی، توسعه و صلح برای قرن ۲۱"^۲ از دیگر رویدادهای مهم در سطح مجمع عمومی بود که با هدف استمرار توجه به موضوع زنان در سطح سازمان ملل متحد برگزار شد.

قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت: تصویب قطعنامه ۱۳۲۵ در موضوع زنان در مناقشات مسلحانه و ۱۰ قطعنامه متعاقب آن را می‌توان تحولی بزرگ در رویکرد امنیتی سازمان ملل در قلمرو زنان به حساب آورد. این قطعنامه که در سال ۲۰۰۰ و با اجماع اعضای شورای امنیت به تصویب رسید و تحت عنوان "زنان، صلح و امنیت" شهرت یافت، آغازی برای قطعنامه‌های دیگری بود که متعاقب آن از سوی شورای امنیت در مقوله زنان صادر گردید. قطعنامه‌های مزبور در راستای تکمیل و تقویت رویکرد فوق، هر کدام ابعاد دیگری را به موضوع افزودند. تصویب قطعنامه ۱۳۲۵ و قطعنامه‌های زنجیروار متعاقب آن، عمدتاً از این بابت حائز اهمیت است که برای نخستین بار مسئله جنسیت و خشونت علیه زنان در مناقشات مسلحانه را به عنوان دغدغه مهم شورای امنیت مطرح می‌سازد و آن را واجد چنان اهمیتی می‌داند که از ظرفیت به مخاطره انداختن صلح و امنیت بین‌المللی (فصل هفت منشور) برخوردار است.

۲- نهادهای توسط سازمان ملل متحد

روش دیگر سازمان ملل متحد به منظور ارتقای وضعیت زنان و پرکردن شکاف جنسیتی، تأسیس نهادهای ویژه برای بررسی و تصمیم‌گیری در مسائل زنان می‌باشد. مهم‌ترین نهادهایی که با هدف فوق تأسیس شده‌اند، به شرح زیر می‌باشند:

کمیسیون مقام زن:^۴ این کمیسیون از نخستین نهادهایی است که در سال ۱۹۴۶ توسط شورای اقتصادی، اجتماعی سازمان ملل متحد بوجود آمد و تا امروز زیر نظر آن شورا به فعالیت

¹ 1990/15. Recommendations and conclusions arising from the first review and appraisal of the implementation of the Nairobi Forward-looking Strategies for the Advancement of Women to the year 2000

² Women 2000: Gender Equality, Development and Peace for the Twenty-first Century, New York, 5-9 June 2000

³ Security Council resolution 1325 (2000) on Women, Peace and Security

⁴ Commission on the Statute of Women (CSW), ECOSOC Res.11(II), 21 June 1946

خود ادامه داده است. در اجلاس سانفرانسیسکو در سال ۱۹۴۵ از میان یک‌صد و شصت نماینده امضا کننده منشور فقط چهار نفر از آنان، زن بودند و این امر یکی از بن‌مایه‌های فکری برای تشکیل کمیسیون مقام زن در سال ۱۹۴۶ به‌شمار می‌رود. زنانی از کشورهای برزیل^۱، جمهوری دومنیک^۲ و ایالات متحده^۳ از جمله کسانی بودند که در کنار تعداد کثیر مردها منشور ملل متحد را امضا نمودند. به‌طور کلی کمیسیون از شأن سیاست‌گذاری برخوردار می‌باشد و با هدف و شعار برابری جنسیتی و کمک به پیشرفت زنان فعالیت خود را آغاز نمود. در واقع رسالت اصلی کمیسیون مقام زن، آماده سازی و ارائه توصیه‌ها و گزارش‌هایی به شورای اقتصادی و اجتماعی در راستای ارتقای حقوق بشر زنان در زمینه امور سیاسی، اقتصادی، مدنی، اجتماعی و آموزشی می‌باشد. تصمیمات کمیسیون اگرچه نقش الزام‌آوری ندارند، در عین حال کمیسیون بالاترین مقام در حوزه زنان می‌باشد که نظرات و تصمیمات آن از قابلیت تاثیرگذاری بالایی برخوردار است. در سال ۱۹۶۷ به‌موجب قطعنامه ۲۲/۱۹۸۷ شورای اقتصادی، اجتماعی (اکوسوک)، قلمرو مأموریت کمیسیون گسترش یافت و مباحث مربوط به ارتقاء برابری، صلح و توسعه مبنی بر پیشرفت زنان و نیز ارزیابی پیشرفت آنان در دستور کار کمیسیون قرار گرفت. در پایان اجلاس جهانی زنان در پکن، مجمع عمومی از کمیسیون درخواست نمود تا در راستای اجرای اعلامیه پکن و برنامه عمل آن تلاش نماید. کمیسیون مرکب از ۴۵ عضو از نمایندگان کشورها می‌باشد که بر اساس تقسیم بندی جغرافیایی شامل: آفریقا ۱۳ عضو، آسیا ۱۱ عضو، امریکای لاتین و کارائیب ۹ عضو، اروپای شرقی ۴ عضو، و دیگر کشورها ۸ عضو برای دوره ۴ ساله انتخاب می‌شوند. جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۸۹ به مدت چهار سال عضو کمیسیون مقام زن بوده است.^۴ طی سال‌ها، کمیسیون در موضوعاتی نظیر مشارکت سیاسی زنان در سطوح مختلف تصمیم‌گیری و نقش زنان در توسعه، فعالیت داشته است و راه‌کارهایی در خصوص حق زنان در استخدام و آموزش و نقش آن‌ها در اقتصاد و محیط زیست ارائه کرده است و همچنین توصیه‌هایی را در حمایت از زنان در مبارزه با فقر به دولت‌ها نموده است. نقش کمیسیون در نهادینه سازی امحاء خشونت علیه زنان و برابری جنسیتی در سند اهداف توسعه پایدار، نقش برجسته آن را در توسعه حقوق زنان بیان می‌کند. نشست‌های بین‌المللی کمیسیون مقام زن سالی یک بار در نیویوک برگزار می‌شود. در اجلاس، نمایندگان دولت‌ها و نیز

^۱ Bertha Lutz

^۲ Minerva Bernardino

^۳ Virginia Gildersleeve

^۴ [https://www.unwomen.org/en/csw#:~:text=The%20Commission%](https://www.unwomen.org/en/csw#:~:text=The%20Commission%20)

نمایندگان پارلمانی کشورها (نشست جداگانه) و نیز نمایندگانی از سازمان‌های مردم نهاد حضور پیدا می‌کنند.

نهاد زنان ملل متحد^۱: نهاد زنان سازمان ملل متحد به عنوان بازوی اجرایی سازمان ملل در حوزه زنان محسوب می‌شود که در سال ۲۰۱۰ از تلفیق و ادغام چهار نهاد (فرعی) سازمان به منظور شتاب بخشیدن به اهداف سازمان ملل در خصوص تساوی جنسیتی و توانمندسازی زنان بوجود آمد. چهار نهاد مزبور عبارت بودند از:

الف) دفتر نماینده ویژه دبیرکل در امور جنسیتی (OSAGI)^۲

ب) بخش پیشرفت زنان (DAW)^۳

ج) صندوق سازمان ملل متحد برای توانمندسازی زنان (UNIFEM)^۴

د) موسسه آموزش و تحقیقات بین‌المللی برای پیشبرد زنان (INSTRAW)^۵

مهم‌ترین حوزه‌های فعالیت نهاد زنان ملل متحد عبارتند از: محو تبعیض علیه زنان و دختران، توانمندسازی زنان، تحقق برابری میان زنان و مردان، صلح و امنیت، مشارکت سیاسی زنان و رفع خشونت علیه زنان.

این نهاد یک نشست در سال برگزار می‌کند و خروجی آن به صورت دستورالعملی برای کشورهای عضو و در واقع رویکرد یک ساله نهاد می‌باشد. اهداف محوری نهاد زنان شامل: ۱- فراهم‌سازی امکان مشارکت زنان در نظام حکومتی و زمام‌داری ۲- تامین امنیت اقتصادی و شغل مناسب و شایسته برای زنان ۳- داشتن زندگی بدون اشکال مختلف خشونت علیه زنان ۴- حضور موثر زنان در تحقق صلح پایدار و برخورداری برابر از خدمات و امکانات بشردوستانه. در حال حاضر یکی از مهم‌ترین مواردی که در دستور کار نهاد زنان سازمان ملل قرار دارد، هماهنگی و ارتقاء نظام کاری در ساختار سازمان ملل به منظور دستیابی به اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰ می‌باشد. مضافاً این که چنانچه قبلاً نیز اشاره شد، موضوع زنان یکی از اهداف مستقل (هدف پنجم) این سند بدین مضمون می‌باشد: "دستیابی به تساوی جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران".^۶

¹ UN Women

² Office of the Special Advisor to the Secretary-General on Gender Issues

³ Division for the Advancement of Women

⁴ United Nations Development Fund for Women

⁵ United Nations International Research and Training Institute for the Advancement of Women

⁶ <https://www.unwomen.org/en>

علاوه بر دو نهاد یادشده که نهادهای تخصصی مربوط به زنان محسوب می‌شوند، اغلب نهادهای دیگر سازمان ملل نیز به‌طور غیر مستقیم در بحث زنان دخیل می‌باشند، که از آن جمله می‌توان به مجمع عمومی، شورای امنیت و شورای اقتصادی، اجتماعی (اکوسوک) اشاره نمود. نتایج تلاش‌های نهادهای مزبور به‌صورت قطعنامه، بیانیه، توصیه، تعیین دستورکار و یا اتخاذ تصمیم برای تعیین گزارشگران ویژه در حوزه‌های مربوط به زنان می‌باشد. مواضع و بیانیه‌های دبیران کل سازمان ملل در موضوع زنان نیز از دیگر بخش‌های مهم و نقش‌آفرین سازمان ملل در مسائل زنان محسوب می‌گردد.

در کنار نهادهای مزبور، یک رشته نهادهای معاهده‌ای نیز در زمینه مسائل زنان وجود دارد. این نهادها به‌صورت کمیته‌های ویژه ناظر بر نحوه اجرای مفاد معاهدات بین‌المللی در عرصه زنان فعالیت می‌کنند. کمیته‌های مزبور، ضمن بررسی موضوعات کاری مرتبط با شرح وظایف خود، گزارش‌هایی را تهیه کرده و آن‌ها را به مجمع عمومی ارائه می‌دهند. گزارشات مزبور غالباً در کمیته سوم مجمع عمومی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. برخی از این نهادها عبارتند از: کمیساریای عالی حقوق بشر؛ کمیته حقوق بشر؛ کمیته رفع تبعیض علیه زنان؛ کمیته رفع تبعیض نژادی؛ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ کمیته مقابله با شکنجه؛ کمیته حقوق کودک؛ کمیته امحای کلیه اشکال تبعیض علیه زنان. کمیته اخیر که جزء مهم‌ترین نهادهای مرتبط با زنان در سازمان ملل متحد می‌باشد، در سال ۱۹۸۲ به منظور نظارت بر اجرای کنوانسیون "امحاء کلیه اشکال تبعیض علیه زنان" تشکیل گردید (بلدسو؛ آقایی، ۱۳۷۵). کمیته از ۲۳ کارشناس منتخب دولت‌های عضو تشکیل می‌گردد که برای دوره چهار ساله انتخاب می‌شوند. البته این اعضا در صلاحیت شخصی خود خدمت می‌کنند و نماینده دولت خود محسوب نمی‌گردند. کمیته هر سال یک‌بار جلسه سه هفته‌ای تشکیل می‌دهد و طی آن گزارشات دولت‌های عضو، اقدامات و پیشرفت‌های آنان را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و همچنین توصیه‌های کلی در راستای محو تبعیض علیه زنان ارائه می‌نماید. کمیته همچنین گزارشی از فعالیت سالانه خود را از طریق شورای اقتصادی، اجتماعی به مجمع عمومی ارسال می‌کند و دبیرکل نیز گزارشات مزبور را برای اطلاع به کمیسیون مقام زن ارسال می‌دارد. (Report of the UN High Commissioner). گزارش یاد شده حاوی فعالیت‌های کمیته و نیز پیشنهادات و توصیه‌هایی است که در جریان رسیدگی به وضعیت زنان در کشورها و گزارش‌های دول عضو در این رابطه به‌دست آورده است (موسوی، ۱۳۹۵، ۶).

۳- برگزاری کنفرانس‌های جهانی زنان

چنانچه اشاره شد، به دنبال صدور قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل، سال ۱۹۷۵ "سال زن"^۱ نامیده شد و از آن تاریخ، هشتم مارس نیز به‌عنوان "روز زن" شهرت یافت. همچنین با تصویب قطعنامه دیگری توسط مجمع عمومی، سال‌های ۱۹۷۶ الی ۱۹۸۵ نیز تحت عنوان "دهه زن"^۲ لقب گرفت. اقدامات مزبور علاوه بر تقویت موضوع زنان به‌عنوان دغدغه جدی بین‌المللی، زمینه فعال‌تر شدن کنش‌گران جهانی اعم از دولت‌ها، سازمان‌های بین‌دولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد را فراهم آورد. در این راستا سازمان ملل متحد اقدام به برپائی کنفرانس‌هایی در مقیاس جهانی در مورد زنان در کشورهای مختلف و با دستورالعمل‌های چند وجهی حمایت از زنان نمود که هر کدام به‌نوبه خود منشاء اثرات مثبتی در ارتقاء رویکرد جنسیتی گردیدند. در مجموع چهار کنفرانس جهانی در چهار قاره برگزار گردید که به اختصار به آنها اشاره می‌شود:

کنفرانس مکزیکوسیتی: نخستین کنفرانس جهانی زنان به سال ۱۹۷۵ در مکزیکوسیتی پایتخت مکزیک برگزار شد که حاصل آن صدور دو سند بود: الف: بیانیه مکزیکو در باره برابری زنان و مشارکت آنان در توسعه و صلح ب: طرح جهانی اجرای موضوعات سال بین‌المللی زن. این طرح از اشتغال زنان حمایت می‌کند و با صدور یک اعلامیه طرح اقدام جهانی در مشارکت زنان برای توسعه و صلح جهانی را مورد تاکید قرار می‌دهد. حاصل این کنفرانس، تعیین یک سری اهداف برای ده سال آتی بود که به منظور ارتقاء وضعیت زنان می‌بایست به اجرا درآید.^۳

کنفرانس کپنهاک: دومین کنفرانس جهانی زن از ۱۴ لغایت ۳۰ ژوئیه سال ۱۹۸۰ به فاصله پنج سال از کنفرانس مکزیکو در کپنهاک دانمارک برگزار گردید. در این کنفرانس برای نخستین بار مسائل مربوط به آموزش، اشتغال و بهداشت زنان به‌طور ویژه‌ای مورد توجه قرار گرفت. در راستای اقدامات ملی قوی‌تر برای تضمین مالکیت زنان و کنترل اموال بود و پیشرفت‌هایی در حقوق زنان در رابطه با ارث، سرپرستی کودک و از دست دادن تابعیت صورت گرفت (مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، ۱۳۷۸: ۶). کنفرانس، بررسی پیشرفت‌ها و ره‌آوردهای نیمه اول دهه زنان و اجرای برنامه عمل کنفرانس مکزیکو و تدوین برنامه عمل برای نیمه دوم دهه را برعهده داشت. اعضای کنفرانس تصویب کنوانسیون رفع اشکال تبعیض علیه

¹ GA. RES. 3010

² GA. RES. 31/136

³ Report of the World Conference of the International Women's Year, Mexico City, 19 June-2 July 1975

زنان را یکی از مهم‌ترین دستاوردهای نیمه اول این دهه شناختند. همچنین برای نخستین بار در تاریخ مبارزات زنان، کنفرانس کپنهاک به خشونت خانگی و جنسی علیه زنان اشاره نمود و بر مسئولیت دولت‌ها در مبارزه با این خشونت‌ها تاکید کرد.^۱

کنفرانس نایروبی: سومین کنفرانس جهانی زن از ۱۵-۲۶ ژوئیه سال ۱۹۸۵ در نایروبی پایتخت کنیا برگزار گردید که با شعار "دهه زن: برابری توسعه و صلح" و با استراتژی بهبود حقوق و وضعیت زنان تا سال ۲۰۰۰، اسناد آن به تصویب رسید.^۲ این کنفرانس سه مفهوم تساوی، توسعه و صلح را در مقیاسی وسیع‌تر مورد توجه قرار داد.^۳ کنفرانس همچنین از دولت‌ها خواست برابری زنان را در قوانین اساسی خود بگنجانند. کنفرانس نایروبی یک استراتژی برای پیشرفت زنان در آینده را تدوین نمود که در دسامبر ۱۹۸۵ در مجمع عمومی مورد تصویب قرار گرفت. از مهم‌ترین دستاوردهای کنفرانس تاکید قاطعانه بر مسئله مقابله با خشونت علیه زنان بود.

کنفرانس پکن: چهارمین و مهمترین کنفرانس جهانی زنان در سال ۱۹۹۵ در پکن پایتخت چین برگزار گردید.^۴ عنوان کنفرانس عبارت بود از: "حرکت به سوی تساوی، توسعه و صلح". در این کنفرانس موضوع خشونت علیه زنان به عنوان چالش موجود و جدی در پایان قرن بیستم مورد توجه ویژه قرار گرفت. بر اساس ارزیابی بخش پیشرفت زنان ملل متحد در خصوص کنفرانس پکن: «تحول اساسی که در کنفرانس پکن روی داد، شناسایی ضرورت تغییر تمرکز از زنان روی مفهوم جنسیت بود که بنابر آن ساختار کلی جامعه و همه روابط میان زنان و مردان باید مجدداً ارزیابی گردد» (موسوی، ۱۳۹۵: ۹). خروجی کنفرانس، "اعلامیه پکن"^۵ و "کارپایه عمل پکن"^۶ بود. این کنفرانس دوازده حوزه نگران کننده در قلمرو زنان را مطرح نمود که در سند پکن درج گردیده است. همچنین از دولت‌ها درخواست نمود تا در راستای رفع نگرانی‌های یاد شده، اقدام نمایند. کنفرانس پکن از جمله نشست‌هایی بود که مانند کنفرانس نایروبی حضور فعالانه سازمان‌های مردم نهاد زنان در آن چشمگیر بود. (اعلامیه کنفرانس سندی است

^۱ World Conference of the United Nations Decade for Women: Equality, Development and Peace, Copenhagen, 14 to 30 July 1980: report.

^۲ U.N. Action in the Field of Human Rights: 20A

^۳ Report of the World Conference to Review and Appraise the Achievements of the United Nations Decade for Women: Equality, Development and Peace, Nairobi, 15-26 July 1985

^۴ (The Fourth World Conference on Women), Beijing, China - September 1995

^۵ Beijing Declaration

^۶ Beijing Platform of Action

که در ۳۸ بند تنظیم شده که به صورت اجماع و بدون رأی گیری به تصویب رسید. چرا که فرض بر این بود که دول شرکت کننده بر این مقررات که طی بندهای سند توافق شده، تفاهم دارند، هرچند ملاحظات دولت‌ها هم ثبت شد. پس از کنفرانس پکن، از سال ۱۹۹۵ تا کنون هر پنج سال یک بار نشست بزرگداشت سالگرد اجلاس پکن به منظور یادآوری محورهای اعلامیه و برنامه عمل پکن توسط سازمان ملل و بویژه توسط نهاد زنان سازمان ملل متحد برگزار می‌گردد و هر نشست تم خاصی را در چارچوب اعلامیه و برنامه عمل پکن دنبال می‌کند.

اجلاس ویژه مجمع عمومی: در آستانه پنجمین سالگرد اجلاس پکن، مجمع عمومی با تصویب قطعنامه ۵۲/۱۰۰ در سال ۱۹۹۷ تصمیم گرفت اجلاس ویژه‌ای به منظور ارزیابی و بررسی پیشرفت اجرای راهبردهای کنفرانس نایروبی و اعلامیه و کارپایه عمل پکن در سال ۲۰۰۰ برگزار نماید. اجلاس ویژه مجمع عمومی در سال ۲۰۰۰ تحت عنوان "زنان ۲۰۰۰: تساوی جنسیتی، توسعه و صلح برای قرن بیست و یک" که به اجلاس پکن به علاوه پنج نیز شهرت دارد، برگزار گردید و طی آن ضمن تاکید بر عام و جهانی بودن مسائل زنان، حقوق زنان را بخش جدایی ناپذیر حقوق عام بشری قلمداد کرد. نشست همچنین داشتن نگرش جنسیتی در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و در نظر گرفتن مسائل زنان به عنوان یک اولویت جهانی را لازمه تحقق توسعه پایدار قلمداد نمود. در این اجلاس، سازمان‌های دولتی و غیردولتی از حدود ۱۶۵ کشور جهان شرکت کردند (نک: مولایی، ۱۳۷۹: ۱-۳). اضافه می‌نماید، قرار است در اول اکتبر سال جاری (۲۰۲۰)، اجلاس عالی‌رتبه بیست و پنجمین سالگرد برنامه عمل پکن توسط مجمع عمومی تشکیل گردد. در ماه سپتامبر رئیس نهاد زنان ملل متحد طی بیانیه‌ای ضمن اشاره به اجلاس عالی‌رتبه مجمع عمومی، از دولت‌های عضو خواست تعهدات خود در رابطه با رویکرد "جهانی با تساوی جنسیتی بیشتر" عملیاتی سازند. وی اجرای روح کنفرانس پکن را با ایده یاری گرفتن و مشارکت نسل‌های دیگر برای تحولات عمیق و سیستمیک در عرصه زنان و در سطح جهان خواستار شد. بر اساس رویکرد جدید موسوم به "تساوی نسلی"^۱، مباحث مربوط به زنان اعم از توانمند سازی زنان، مشارکت برابر با مردان در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... اختصاص به نسل حاضر ندارد و تمامی نسل‌های زنان از جمله دختران و نسل‌های آتی را هم شامل می‌گردد. لازم است اشاره شود که "اجلاس تساوی نسلی" به دلیل شیوع کووید ۱۹ و روند رو به افزایش افراد مبتلا به ویروس، به نیمه اول سال ۲۰۲۱ موکول گردید^۲ (unwomen.org).

^۱ Generation Equality

^۲ <https://www.unwomen.org/en/get-involved/beijing-plus-25/generation-equality-forum>

هنجارسازی در حوزه زنان

بدیهی است هنجارهایی که در سطوح مختلف اعم از داخلی، منطقه‌ای یا بین‌المللی بوجود آمده‌اند و به‌طور ویژه آن‌هایی که در سطح بین‌المللی نهایتاً به‌صورت قاعده عرفی و یا حقوق عرفی بین‌المللی درآمده‌اند، روندی از تحول و توسعه را طی نموده‌اند. بدون تردید این تحول خطی نبوده، بلکه مسیری پر چالش و فراز و فرودی را طی نموده است. حساس نمودن جامعه بین‌المللی نسبت به مقوله جنسیت و وادار نمودن بازیگران بین‌المللی اعم از دولت‌ها، سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و حتی افراد، کارویژه مهمی بود که سازمان ملل متحد در شکل‌گیری آن نقش مهمی را ایفا نمود. سه محوری که در بالا تحت عناوین نقش آفرینی سازمان در ارتقاء وضعیت زنان، از طریق تصویب اسناد معتبر بین‌المللی، تأسیس نهادها و آژانس‌های مختلف در حوزه زنان و برگزاری کنفرانس‌های جهانی در موضوعات و مسائل مربوط به زنان مورد اشاره قرار گرفت، نهایتاً منجر به محور چهارم گردید که از آن به حساس نمودن جامعه بین‌الملل به مقوله زنان و به‌عبارتی دیگر ایجاد هنجار، و تقویت رویکرد و ملاحظات "جنسیتی" در کلیه تصمیمات بین‌المللی، یاد می‌شود. در حوزه اسناد، سازمان ملل اساساً چهار روش اصلی را برای هنجارسازی به کار می‌برد که عبارتند از: صدور اعلامیه، مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، قطعنامه، مانند قطعنامه اتحاد برای صلح، بیانیه مانند بیانیه مجمع عمومی برای امحاء خشونت علیه زنان و گزارش‌دهی مانند گزارش‌های گزارشگران ویژه (کبیری، ۱۳۹۲: ۷). در کنار آن، موضع‌گیری‌های دبیران کل سازمان ملل و بیانیه‌های آن‌ها در رابطه با کاستن از شکاف جنسیتی را نیز باید به تلاش‌های سازمان اضافه کرد.

حقوق نرم نیز نقش مهمی در رشد هنجارهای بین‌المللی به‌ویژه حوزه‌های جدید مانند محیط‌زیست، حقوق انرژی و همچنین حقوق بشر و زنان ایفا می‌کند. حقوق نرم گرچه الزام‌آور نیستند، لیکن نباید آن‌ها را کم‌بها دانست، زیرا با قدرت متقاعدکنندگی به‌شیوه‌ای غیرمستقیم بر رفتار دولت‌ها و دیگر تابعان حقوق بشر تأثیر می‌گذارند. قطعنامه‌های "زنان، صلح و امنیت" توسط شورای امنیت، هرچند مطابق فصل هفتم منشور ذاتاً جنبه الزام‌آوری ندارند، لیکن مانند "اعلامیه ریو در مورد توسعه و محیط‌زیست (۱۹۹۲)"، در منطقه خاکستری بین حقوق و سیاست قرار دارند (حبیب‌زاده و عطار، ۱۳۹۱: ۱۷)، از این‌رو قواعد نرم نیز بخشی از فرایند تحول هنجاری سازمان ملل متحد می‌باشند. البته این واقعیت را نباید نادیده گرفت که رویکرد جنسیتی و ارتقاء وضعیت زنان از ابتدا جزء اهداف سازمان ملل بوده است، لیکن در گذر زمان تمرکز بر آن افزایش یافته است. تلاش‌های سازمان ملل در زمینه نامگذاری دهه زنان (۱۹۷۵-۱۹۸۵)، و

یا بزرگداشت روز بین‌المللی زن از طریق برگزاری نشست‌ها و برنامه‌های مختلف دیگر را باید در زمره تلاش‌های مستمر آن سازمان در تقویت هنجار جنسیت محور شمرد.

نتیجه‌گیری

اساساً موضوع زنان، بر اساس ایده‌ء رعایت حقوق و برخورداری زن از کلیه حقوق و شئونات انسانی و به‌عنوان عضوی از جامعه بشری مطرح می‌باشد. زدودن تبعیض‌ها و مظلومی که در گذشته بر نیمی از جامعه انسانی رفته است، همان‌گونه که دبیرکل سازمان ملل نیز تصریح نموده، مستلزم تلاش همگانی، هم‌فکری و اهتمام دولت‌ها و جوامع مدنی می‌باشد. بدیهی است جامعه‌ای سعادتمند خواهد بود که اعضای آن ورای نگاه جنسیتی، به حقوق یکدیگر احترام بگذارند و در کنار هم برای رفاه سعادت جامعه خویش بکوشند.

در ارزیابی نقش سازمان ملل متحد باید گفت که در حوزه زنان، طی هفتادوپنج سال فعالیت، گام‌های مهمی در راستای ارتقای حقوق زنان در سطح جهانی برداشته شده است، که به‌اختصار در سه بخش اسناد صادره از سوی نهادهای مختلف سازمان ملل، تاسیس و فعالیت نهادهای ویژه زنان، همچنین برگزاری چهار کنفرانس جهانی در قلمرو زنان که مهم‌ترین آن‌ها کنفرانس پکن در سال ۱۹۹۵ بود، اشاره شد. گفته شد که اعلامیه و کارپایه عمل پکن جهش و تحول مهمی در ارتقاء وضعیت زنان ایجاد نمود. هدف عمده برداشتن تمامی موانع برای مشارکت فعال زنان در عرصه‌های تصمیم‌گیری در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده است. در واقع این گام‌ها، با این هدف برداشته شده است که نه تنها شکاف‌ها و تبعیض‌ها علیه زنان به‌عنوان نیمی از جامعه انسانی از بین برود، بلکه مسئولیت و اختیارات در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به‌طور مساوی میان زنان و مردان در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تخصیص یابد. برابری حقوق زن و مرد در دیدگاه سازمان ملل متحد، موضوعی حقوق بشری است و شرط لازم عدالت اجتماعی تلقی می‌شود که برای توسعه و صلح پایدار لازم است.

اگرچه از دیدگاه سازمان ملل اساساً رویکرد تساوی جنسیتی فقط یک حقوق بنیادی بشری نیست، بلکه نماد یک سازوکار ضروری برای جهانی پایدار، سعادتمند و صلح‌آمیز است و تلاش‌های زیادی با مداومت مجموعه دستگاه‌های سازمان ملل در این راستا صورت گرفته است، با این وجود آمار در دسترس حکایت از آن دارد که دستاوردها هنوز با آرمان‌ها فاصله معنی‌داری دارند. به‌عنوان نمونه در سال ۲۰۱۵ که اهداف توسعه پایدار تصویب شد، هنوز در

۵۲ کشور زنان از حق آموزش برابر با مردان برخوردار نبودند، هرچند این برابری در ۱۴۳ کشور حاصل گردیده بود. بنا به گزارش نهاد زنان سازمان ملل، علیرغم تمام تلاش‌هایی که برای قانون‌مند نمودن و همچنین تحقق رویکرد "تساوی جنسیتی" صورت می‌گیرد، آمارهای جهانی نشان می‌دهد که در حال حاضر تنها ۲۲ درصد از نمایندگان پارلمان‌ها زنان هستند. همچنین دوسوم افراد بالغ بی‌سواد جهان را زنان تشکیل می‌دهند. آمار دیگری نشان می‌دهد که از هر ده نفر افراد بسیار فقیر جهان، شش نفر زن می‌باشد.^۱ بطور کلی در بحث برابری جنسیتی در عرصه اقتصادی، گفته می‌شود که هنوز با اهداف تعیین شده فاصله وجود دارد. از دیدگاه سازمان ملل نیز اشتغال ۶۲ درصد زنان، به معنای کمتر از دوسوم جمعیت زنان، در مقایسه با اشتغال ۹۳ درصد از مردان، بیانگر شکاف جنسیتی در عرصه اقتصادی محسوب می‌شود. به‌علاوه در حالی که تلاش‌های زیادی در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ الی ۲۰۱۵ به منظور کاهش فاصله اقتصادی بین زنان و مردان صورت گرفته است، اما هنوز هم زنان در رده سنی ۲۵-۳۴، ۲۵ درصد بیشتر از مردان در معرض فقر مفرط هستند.^۲

در عرصه آموزش، علیرغم بهبود وضعیت زنان و دختران، هنوز نیم میلیارد زن و دختر بالای ۱۵ سال بی‌سواد هستند و فقط ۳۹ درصد از زنان مناطق روستایی (غیرشهری) شانس برخورداری از تحصیلات پایه دوم (دبیرستانی) را دارند. به گزارش سازمان ملل متحد، در عرصه سیاسی، همان‌گونه که فوقاً نیز اشاره شد با وجود بهبود حضور زنان در پارلمان‌ها نسبت به سال ۱۹۹۵ که از ۱۱ درصد به بیش از دو برابر بالغ شده است، لیکن هنوز هم در پارلمان‌های جهان غلبه با مردان می‌باشد که بیش از سه چهارم کرسی‌های پارلمان‌ها را در اختیار دارند. مردان همچنین ۷۳ درصد از موقعیت‌های مدیریتی و ۷۰ درصد مذاکره‌کنندگان مربوط به مسائل "آب و هوایی" را به خود اختصاص داده‌اند. در زمینه مذاکرات مربوط به صلح، علیرغم تجربه مثبت حضور زنان در این‌گونه مذاکرات، تعداد زنان ناامید کننده است. حضور زنان در مذاکرات صلح فقط ۱۳ درصد بوده و تنها ۴ درصد از اسناد مربوط به صلح با امضای زنان بوده است.^۳ بر اساس گزارش سازمان ملل، بر اثر اپیدمی کووید ۱۹ طی ماه‌های گذشته، ۴۷ میلیون زن دیگر به زیر خط فقر کشیده شده‌اند. افزایش خشونت علیه زنان در خانه و در اجتماع و افزایش شکاف جنسیتی در عرصه اقتصادی نیز از جمله آثار سوء بحران پاندمی کرونا بر زنان محسوب می‌شود.

^۱ Global Population Institute

^۲ <http://www.unwomen.org/about-un-/women>

^۳ Ibid

بالا بودن اثرات سوء کرونا و سایر فجایع طبیعی بر زنان، بیانگر عدم نهادینه شدن رویکرد برابری جنسیتی و تحقق آرمان‌های سازمان ملل در مقوله زنان می‌باشد. بر اساس گزارش نهاد زنان سازمان ملل، مطالعه و بررسی توسعه وضعیت مناطق مختلف جهان، حاکی از آن است که مناطق جنوب صحرا در افریقا و امریکای لاتین از سال ۲۰۱۲ پیشرفت سالانه چشمگیری در کاهش شکاف جنسیتی داشته‌اند، در حالی که این فاصله در جنوب شرق آسیا و اقیانوسیه با پس‌رفت مواجه بوده است. گفته می‌شود که اگر این روند ادامه یابد تا سال ۲۰۳۰ (هدف‌گذاری شده برای تحقق اهداف توسعه پایدار)، نزدیک به دو میلیارد زن و دختر (پنجاه درصد کل زنان و دختران) هنوز با تبعیض در دستیابی به فرصت‌های "رهبری عمومی" مواجه خواهند بود.^۱

از دیدگاه سازمان ملل، فرایند تساوی جنسیتی هنوز به پایان راه نرسیده است. هنوز زنان و دختران کمتری به آموزش، خدمات، بهداشت و سلامت دسترسی دارند. زنان هنوز از استقلال اقتصادی به مراتب کمتری نسبت به مردان برخوردارند و در سطوح تصمیم‌گیری نقش کمتری دارند. پیشرفت‌های حاصله در مسیر دستیابی به برابری جنسیتی علیرغم افزایش تلاش‌ها در سازمان ملل در طول ۲۵ سال گذشته، کند و تدریجی بوده است. این فرایند، بیانگر این نکته است که توسعه و تحول در حوزه زنان امری بطئی و در عین حال مستلزم استمرار و تداوم می‌باشد. دبیرکل سازمان ملل در این رابطه اظهار داشته است، «تحولات در عرصه زنان در حال رخ دادن است، اما بسیار آهسته و ضعیف. کمتر از ده سال تا پایان برنامه "اهداف توسعه پایدار" فرصت داریم و در این مدت تا پر کردن شکاف جنسیتی و رسیدن به تساوی جنسیتی، لازمست با فوریت عمل شود. نهاد زنان تصریح می‌کند، در دهه باقی مانده برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار، دولت‌ها، سازمان ملل متحد، جامعه مدنی و بخش خصوصی که همراه با یکدیگر تلاش می‌کنند، پتانسیل این را دارند که به کمک یکدیگر و با همکاری، به هدف پیشرفت زنان و دختران نائل آیند. چون توسعه وضعیت زنان به نفع کل جامعه بشری خواهد بود.^۲

در ارزیابی اقدامات سازمان ملل متحد در مقوله زنان، چه در زمینه تنظیم و تصویب اسناد بین‌المللی و یا ایجاد نهادها، سازوکارهای نظارتی و برگزاری نشست‌ها و کنفرانس‌های جهانی، و ایجاد هنجار رویکرد جنسیتی در کلیه تصمیمات ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، این نتیجه حاصل می‌شود که موضوع زنان و حمایت از حقوق و آزادی‌های اساسی آن‌ها از جمله موضوعات مهم و دارای اولویت در طول فعالیت هفتادوپنج ساله سازمان ملل بوده است و تلاش‌ها در راستای نهادینه

^۱ Public Leadership

^۲ Ibid

ساختن پارادایم تساوی جنسیتی تقریباً در کلیه شئون سازمان ملل جریان داشته است، هرچند بنا به ارزیابی نهادهای مختلف سازمان، همه هدف‌های تعیین شده، محقق نشده است. همچنین بنظر می‌رسد پایان جنگ سرد و نظام دو قطبی همان‌گونه که به توسعه حقوق بشر و به‌ویژه تقویت حضور سازمان ملل در مسائل حقوق بشری منجر گردیده، حضور و تلاش‌های ملل متحد در عرصه زنان را نیز بسیار برجسته نموده، به‌طوری که رکنی مانند شورای امنیت نیز در حوزه جنسیتی نقش‌آفرینی کرده است. در عین حال انتقاداتی نیز نسبت به برخی از برنامه‌ها و اسناد مختلف سازمان در مقوله زنان وارد است. مهم‌ترین انتقادات در ارتباط با بی‌توجهی به سازوکارها و عواملی است که اعتدال در خانواده و روابط میان زن و مرد را خدشه‌دار می‌سازد. از سوی دیگر بی‌توجهی به تنوع فرهنگی جوامع، اخلاق، آداب و سنت‌ها و اعتقادات مذهبی در ارتباط با قوام و تحکیم خانواده به‌عنوان هسته اولیه جامعه بشری، ساده‌سازی روابط پیچیده انسانی را به ذهن متبادر می‌کند که این رویکرد، در صورت تداوم می‌تواند بنیان خانواده و مناسبات اجتماعی را با چالش‌های اساسی مواجه سازد و چه بسا در ارزیابی کلان، دستاوردهای جامعه انسانی را مکدر سازد.

منابع و مأخذ

- مهرپور، حسین، (۱۳۷۴)، حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات اطلاعات
- جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۲)، تقویت همکاری‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر، دانشگاه تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی
- موسوی، سید محمد، "سازمان ملل و اسناد بین‌المللی حقوق زنان"، فصل‌نامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان، سال اول، بهار ۱۳۹۵، شماره ۳
- تاریخچه پنجاه ساله کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد از ۱۹۴۷ تا ۱۹۹۷، ترجمه مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، ۱۳۷۸، ص ۶.
- مولایی، شهین، اجلاس «زنان ۲۰۰۰» گامی برای عدالت، صلح و توسعه، ۱۳۷۹، بازتاب اندیشه، شماره ۳.
- کبیری، حمیده، (۱۳۹۲)، پایان‌نامه، "بررسی نقش عملکرد سازمان‌های بین‌المللی در هنجارسازی"، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات ارومیه.
- حبیب‌زاده، توکل، و عطار، محمدصالح، "ارزیابی مفهومی حقوق نرم در نظام منابع حقوق بین‌الملل"، (۱۳۹۱)، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۶، شماره ۲.
- رابرت وبوسچک بلدسو (۱۳۷۵) فرهنگ حقوق بین‌الملل، ترجمه دکتر بهمن آقایی، تهران، انتشارات گنج دانش

- (Report of the Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, A/HRC/12/46, 27th August 2009)
- Declaration of Mexico on the Equality of women and their contributions to development and peace, 1975
- Cf. UN. DOC: Nairobi Forward – Looking for strategies for the advancement of women, 1985
- Statement by UN Women Executive Director Phumzile Mlambo-Ngcuka for the 25th anniversary of the opening of the Fourth World Conference on Women | UN Women – Headquarters
- RESOLUTIONS AND DECISIONS OF THE ECONOMIC AND SOCIAL COUNCIL ORGANIZATIONAL SESSION FOR 1990 New York, 17 January and 6-9 February 1990 FIRST REGULAR SESSION OF 1990 New York, 1-25 May 1990 ECONOMIC AND SOCIAL COUNCIL OFFICIAL RECORDS ,
- <http://www.un.org/Conferences/Women/Pubinfo/Statuts/TextOnly> .
- <http://www2.ohchr.org/English/issues/women/roporteur>
- <http://www.unwomen.org/about-un-/women>
- <https://www.unwomen.org/en/news/stories/2020/9/statement-ed-phu>
- <https://www.unwomen.org/en/get-involved/beijing-plus-25/about>
- <https://digitallibrary.un.org/record/586225?ln=en>
- <https://www.un.org/womenwatch/daw/beijing/otherconferences/Nairobi/Nairobi%20Full%20Optimized.pdf>
- <https://www.un.org/womenwatch/daw/beijing/otherconferences/Copenhagen/Copenhagen%20Full%20Optimized.pdf>

